

می‌شود. چنانکه از تلویح ابن بابویه (من لا یحضره الفقیه، ۱۹۷/۴) و تصریح سید مرتضی (بحر العلوم، ۲۱۵/۳) برمی‌آید، ابن شاذان به حجّت قیاس مستنبط العلّه قائل بوده است (قس: علامه حلی، ۱۷۹/۵). برخورد علت گرایانه او با احکام شرعی در سراسر العلل نیز مؤیدی بر این امر است. به هر حال قول به حجّت قیاس نزد فقیهان امامیه کم‌نظیر بوده و تنها برخی چون یونس بن عبدالرحمن، که ابن شاذان خود را خلف او می‌دانست، بدان قائل بوده‌اند. (نک: بحر العلوم، همانجا).

ابن شاذان به عنوان یک راوی در سلسله اسناد بسیاری از احادیث امامیه قرار گرفته و نجاشی (ص ۳۰۷) به توثیق او تصریح کرده است. کشتی در مواضع بسیاری به نظرات و جرح و تعدیلهای او درباره محدثان استناد جسته است (نک: طوسی، اختیار، ۴۴۶، جم).

آثار: آثار او را بالغ بر ۱۸۰ عنوان دانسته‌اند که برخی از آنها را که در کلام و فقه است، نجاشی در رجال (همانجا) و طوسی در فهرست (صص ۱۲۴ - ۱۲۵) آورده است. از جمله: ۱. اثبات الرجعة، که نجاشی آن را ذکر کرده (همانجا) و منتخبی از آن به کوشش باسم موسوی در مجله تراثنا (شماره ۱۵، قم، ۱۴۰۹ ق) به چاپ رسیده است؛

۲. الطلاق، که نجاشی و طوسی (همانجاها) از آن یاد کرده‌اند و کلینی (۹۳/۶ - ۹۶، جم) قطعاتی از آن را نقل کرده که ظاهراً برگرفته از همین کتاب است؛ ۳. العلل، در علل مربوط به عبادات است که نجاشی و طوسی (همانجاها) آن را ذکر کرده‌اند؛ ۴ و ۵ و ۶. الفرائض الکبیر و الفرائض الاوسط و الفرائض الصغیر (همانجاها)؛ ۷. مسائل البلدان، که نجاشی (همانجا) بدان اشاره کرده و طوسی در برخی از آثارش بخشهایی از آن را نقل کرده است (نک: استرآبادی،

۲۳۶/۱، جم)؛ ۸. یوم و لیلّة، که گفته شده به نظر امام حسن عسکری (ع) رسیده و مورد تأیید آن حضرت قرار گرفته است (نک: طوسی، اختیار، ۵۳۸، ۵۴۲)؛ کشتی از برخی آثار رجالی ابن شاذان بهره گرفته است (نک: همان، ۱۱۲، ۵۲۰، جم). شایان ذکر است که کتابی با عنوان الايضاح به کوشش جلال‌الدین محدث در تهران در ۱۳۵۱ ش به نام فضل بن شاذان (به عنوان مؤلف) منتشر شده و سپس در بیروت در ۱۴۰۲ ق/ ۱۹۸۲ م تجدید چاپ شده است. هیچ‌یک از متقدمان این کتاب را به ابن شاذان نسبت نداده‌اند و این نسبت نخستین بار در سده ۱۱ ق در آثار فیض کاشانی به چشم می‌خورد (مثلاً نک: ص ۵). مؤلف در الايضاح به نقض مخالفان امامیه به طور اعم و معتزله، جهمیه، مرجئه، خوارج و اصحاب حدیث به طور اخص پرداخته است. تنها سند موجود در این کتاب که می‌تواند در تشخیص طبقه مؤلف مفید باشد، عبارت «و حدّثنا ابن ابی شریح» است (ص ۳۶۶) که اگر آن را تصحیف «ابن ابی شریح» (د بعد از ۲۴۰ ق) بدانیم، چندان به اینکه مؤلف کتاب ابن شاذان باشد، کمک نمی‌کند. به هر حال با این عبارت می‌باید با احتیاط برخورد شود. شاهد دیگر موجود در کتاب (ص ۳۴۱) این است که مؤلف گذاردن نام فرائض بر مبحث مواریث را از

برساخته‌های اهل سنت می‌شمرد، حال آنکه ابن شاذان، چنانکه ذکر شد، سه کتاب با عنوان الفرائض تألیف کرده است. شاهد دیگر اینکه سید مرتضی در الشافی (ص ۲۴۲، جم) مطالبی را که احتمالاً از کتاب الايضاح گرفته، به ابن شاذان نسبت نداده است (قس: الايضاح، ۱۳۵ - ۱۳۹، جم؛ برای توضیح بیشتر، نک: ه. د. ابن رستم طبری). جلال‌الدین محدث در مقدمه الايضاح سعی کرده با ذکر شواهدی صحت انتساب کتاب را به ابن شاذان ثابت کند.

مأخذ: ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۹ ق/ ۱۹۵۹ م؛ ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، به کوشش هاشم حسینی، تهران، ۱۳۸۷ ق؛ همو، الغصّال، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۸۹ ق؛ همو، عیون الاخبار، نجف، ۱۳۹۰ ق؛ همو، من لا یحضره الفقیه، نجف، ۱۳۷۶ ق؛ ابن شاذان، فضل، مختصر اثبات الرجعة، به کوشش باسم موسوی، تراثنا، قم، ۱۴۰۹ ق، شماره ۱۵، همو، العلل، به کوشش احمد پاکتچی، منتشر نشده؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، قم، چاپخانه علمیه، استرآبادی، شرف‌الدین، تأویل الآیات، قم، ۱۴۰۷ ق؛ الايضاح، منسوب به ابن شاذان، به کوشش جلال‌الدین محدث، تهران، ۱۳۵۱ ش؛ بحر العلوم، محمد مهدی، الرجال، تهران، ۱۳۴۳ ق؛ برقی، احمد بن ابی‌عبدالله، الرجال، تهران، ۱۳۴۲ ش؛ سید مرتضی، علی بن حسین، الشافی، ایران، ۱۳۰۱ ق؛ همو، الفصول المختارة، نجف، کتابخانه حیدریه، طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ ش؛ همو، الرجال، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، نجف، ۱۳۸۰ ق/ ۱۹۶۰ م؛ همو، الغیبه، تهران، ۱۳۹۸ ق؛ همو، الفهرست، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، نجف، کتابخانه مرتضویه؛ علامه حلی، حسن بن یوسف، مختلف النبیة، ایران، ۱۳۲۴ ق؛ فیض کاشانی، محمدحسین، الاصول الاصلیه، به کوشش جلال‌الدین محدث، تهران، ۱۳۴۹ ش؛ قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، به کوشش جلال‌الدین تهرانی، تهران، ۱۳۶۱ ش؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، ۱۳۷۷ ق؛ محقق حلی، جعفر بن حسن، المعتمد، ایران، ۱۳۱۸ ق؛ نجاشی، احمد بن علی، الرجال، به کوشش موسی زنجانی، قم، ۱۴۰۷ ق.

احمد پاکتچی

ابن شاذان، محمد بن احمد بن علی بن حسن قمی (ح ۳۳۵ - ح ۴۲۰ ق/ ۹۴۶ - ۱۰۲۹ م)، فقیه و محدث امامی. پدر وی از محدثان بزرگ و به قولی شیخ امامیه در روزگار خود (نجاشی، ۶۲؛ ابن حجر، ۲۳۴/۱) و مادرش خواهرزاده ابن قولویه، از مشایخ بزرگ امامیه بوده است (کراچکی، کنز، ۱۸۵، ۱۹۶، ۲۲۰؛ طوسی، امالی، ۲۹۵/۲، ۳۰۰). از آنجا که ابن شاذان و پدرش، «قمی» خوانده شده‌اند و با بررسی مشایخ پدر وی و نیز خویشاوندی او با ابن قولویه چنین برمی‌آید که اصل این خانواده از قم بوده است. اطلاق نسبت «کوفی» به ابن شاذان نخستین بار در امل الآمل حر عاملی (۲۴۱/۲) دیده شده و سپس به پیروی از آن در منابع بعدی آمده است (افندی، ۲۶/۵؛ بهبهانی، ۴۹۶). برخی از محققان در صدد یافتن محملی برای جمع بین نسبت کوفی و قمی وی بوده‌اند (خوانساری، ۱۸۰/۶)، لیکن با توجه به اینکه حر عاملی در اثبات الهداة (۳۱/۱) به ابن شاذان تنها لقب «قمی» داده، احتمالاً نسبت کوفی در امل الآمل نوعی سهوالقلم بوده است. در جمال الاسبوع ابن طاووس (ص ۱۳۶) و چند نوشته معاصر ابن شاذان را «قمی» نیز خوانده‌اند (آقابزرگ، طبقات، ۱۵۰؛ ابطحی، ۵)، لیکن نجاشی (همانجا) این نسبت را مربوط به پدر ابن شاذان دانسته است.

طوسی و نجاشی می‌توان نتیجه گرفت که وی دیگر هرگز به بغداد مراجعت نکرده و احتمالاً در مکه بدرود حیات گفته است.

ابن شاذان در مراکز علمی مهم زمان خود از مشایخ بسیاری بهره گرفته که ما نام ۶۵ تن از آنان را در اختیار داریم و از آن جمله می‌توان از ابو غالب زراری، تلعلکیری، ابن عیاش جوهری، ابوالفضل شیبانی و ابن بابویه نام برد (ابن شاذان، ج۴: کراچی، ج۴: طوسی، امالی، ۲/ ۲۹۴ - ۳۰۰، ۳۱۷؛ ابن طاووس، جمال الاسبوع، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۴۵؛ مجلسی، ۱۰۹/۳۵، ۱۱۱؛ آقابزرگ، طبقات، ۱۵۱؛ نیز نک: ابطحی، ۱۰ - ۱۴). بعضی با تکیه بر دو سند از کتاب مائه منقبة، ابن عقده (د ۳۳۳ ق / ۹۴۴ م) و محمد بن حسن بن ولید (د ۳۴۳ ق / ۹۵۴ م) را نیز از مشایخ ابن شاذان شمرده‌اند (همو، ۱۰، ۱۲؛ قس: ابن شاذان، ۷۱، ۱۴۸)، لیکن با توجه به تاریخ وفات آن دو و شرایط زمانی ابن شاذان و توجه به اینکه در موارد دیگری بین آن دو و ابن شاذان در روایت واسطه وجود دارد (ابن شاذان، ۴۰؛ کراچی، کتز، ۶۳)، می‌توان نتیجه گرفت که در این دو سند واسطه اسقاط شده است. در مورد شاگردان وی اطلاعات ما بسیار محدود است و تنها اسامی ۶ تن از آنان را در اختیار داریم: ابوالفتح کراچی (د ۴۴۹ ق / ۱۰۵۷ م) در مکه (کراچی، کتز، ج۴: همو، التفضیل، ج۴: نجاشی، د ۴۵۰ ق / ۱۰۵۸ م) ظاهرأ در بغداد (نجاشی، ۶۲)، شیخ طوسی (د ۴۶۰ ق / ۱۰۶۷ م) در بغداد (طوسی، امالی، ۲/ ۲۹۴ - ۳۰۰، ۳۱۷)، شریف ابوطالب زینی (خوارزمی، المناقب، ج۴: گنجی، ۲۵۱، ۳۲۱؛ ذهبی، ۴۶۶/۳)، ابونصر احمد بن شهریار خازن (مجلسی، ۱۰۹/۳۵، ۱۱۱؛ آقابزرگ، همان، ۱۶۶) و محمد بن علی بن محمد بن جعفر ادیب (خوارزمی، همان، ۲). طبق اظهار ابن طاووس، هارون بن موسی تلعلکیری (د ۳۸۵ ق / ۱۰۳۶ م) از ابن شاذان کتاب مائه منقبة را شنیده و روایت کرده است (الیقین، ۵۶)، لیکن تلعلکیری سالها پیش از تألیف این کتاب وفات یافته بوده است. درباره اطلاع ابن شاذان از علم فقه تنها چیزی که می‌دانیم این است که کراچی اغلب از وی با عنوان «شیخ فقیه» یاد کرده و این تعبیر در کلام برخی دیگر از روایان مستقیم یا غیرمستقیم ابن شاذان نیز به چشم می‌خورد (کراچی، کتز، ج۴: همو، التفضیل، ۲۵؛ ابن شاذان، ۱۷؛ آقابزرگ، همان، ۱۵۱). در مورد علم حدیث، کراچی متذکر شده که وی در حدیث عامه و خاصه دارای تقدیمی مسلم و علمی ناقص بوده و این گفته با نظری به کتاب مائه منقبة روشن می‌شود که از واقعیت فاصله زیادی ندارد (نک: نوری، ۵۰۰/۳). ابن شاذان در نقل حدیث ظرافتهایی به خرج داده و در موارد لازم به مکان و زمان تحدیث و به اینکه تحدیث از روی کتاب بوده یا به طور شفاهی انجام شده، اشاره می‌کند. دقت ابن شاذان در نکات فنی حدیث و نیز تنوع مشایخ وی از شیعه و سنی تنها با چند تن از روایان شیعه چون ابن بابویه قابل قیاس است. وی هم از نظر انتخاب حدیث و هم از نظر سعی در جمع‌آوری احادیث مناقب و نصوص از طرق عامه، تا حدودی از استادانی چون ابن عیاش در مقتضب الاثر و تألیفات دیگر او

درباره تاریخ و محل تولد و وفات ابن شاذان اطلاع دقیقی در دست نیست. تنها می‌دانیم که وی در ۳۷۴ ق / ۹۸۴ م در کوفه استماع حدیث کرده (ابن شاذان، ۱۸) و در ۴۱۲ ق / ۱۰۲۱ م در مکه مکرمه مجلس درس داشته است (کراچی، کتز، ۶۲، ۲۵۹؛ همو، التفضیل، ۲۵؛ ابن طاووس، الیقین، ۱۳۲).

از بررسی مشایخ ابن شاذان و در مواردی از تصریح خود وی می‌توان نتیجه گرفت که او دوران جوانی خود را در بغداد سپری کرده است (ابن شاذان، ۱۲۸، آقابزرگ، همان، ۱۵۱). روایت ابن شاذان از شریف حسن بن حمزه مرعشی (ابن شاذان، ج۴: نشان می‌دهد که وی محتملاً در فاصله سالهای ۳۵۶ - ۳۵۸ ق بین ورود مرعشی به بغداد تا وفات وی، در بغداد بوده و تنها در این فاصله زمانی، ملاقات این دو در بغداد میسر بوده است. به همین ترتیب ملاقات ابن شاذان با ابن بابویه نیز ظاهرأ در ۳۵۴ ق در بغداد بوده است. از این رو می‌توان حدس زد که وی از سالهای ۳۵۲ - ۳۵۵ ق در بغداد آغاز به فراگیری حدیث و احتمالاً دیگر علوم اسلامی کرده است. ابن شاذان در آغاز جوانی از محضر استادان برجسته‌ای از جمله پدر خود و دایی مادرش ابن قولویه که ظاهرأ در آن زمان ساکن بغداد بوده‌اند، بهره گرفته و گاه برای استماع حدیث از برخی استادان به نواحی مختلف حومه بغداد چون محمدیه و رصافه آمد و شد می‌کرده است (ابن شاذان، ۸۴، ۱۶۱). وی در دوره‌ای از زندگی خود که می‌تواند از ۳۶۰ تا ۴۱۰ ق باشد، به منظور ملاقات استادان و مشایخ مراکز علمی آن روزگار عزم سفر نمود و در برخی از این مراکز برای مدتی اقامت گزید. در سفر به کوفه که در حدود ۳۷۴ ق بوده، از مشایخ آن شهر چون ابن سختویه و مسافرینی که از کوفه عبور می‌کردند، چون صرام نیشابوری بهره جست (همو، ۱۸). در مسافرت به ری از استادانی چون ابوالحسن احمد بن حسن رازی و احمد بن حسن نیشابوری که او نیز در ری مسافر بوده، استفاده کرد (همو، ۱۲۷؛ ابن طاووس، جمال الاسبوع، ۱۳۶، ۱۴۲). بعید به نظر می‌رسد که ابن شاذان در سفر به ری گزارش به قم که مشایخ بزرگی در آنجا بوده‌اند، نیفتاده باشد. وی سفری نیز به خراسان داشته و در نیشابور از مشایخی چون ابن مامویه اصفهانی حدیث شنیده است (ابن شاذان، ۱۴۳). به هر حال ابن شاذان پس از این دوره مسافرت، به بغداد بازگشته و در فاصله سالهای ۴۰۸ تا ۴۱۲ ق بین ورود شیخ طوسی به بغداد و سفر وی به مکه مکرمه با او ملاقات داشته و شیخ از محضر وی استفاده کرده است. ابن شاذان پس از مدتی اقامت در بغداد به مکه سفر کرد و در ۴۱۲ ق در آنجا مجلس درس دایر ساخت. با توجه به اینکه شیخ طوسی و نجاشی در زمان اقامت اخیر وی در بغداد با وی تماس مستقیم و نزدیک داشته و در کتب فهرست خود که در فاصله سالهای ۴۳۶ - ۴۵۰ ق نوشته شده، ابدأ ذکری از تألیفات ابن شاذان نکرده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که وی پس از سفر به مکه آغاز به تصنیف کرده و نوشته‌های وی قبل از این دوره، منحصر به یادداشتها و اجزای روایی وی بوده است. همچنین از سکوت شیخ

و ابوالفضل شیبانی در «احادیث نصوص» و جز آنان الهام گرفته است (در مورد «احادیث نصوص» شیبانی، نک: خزاز، جم). قریب به ۷۰ درصد از احادیث کتاب مائة منقبة احادیثی است که یافتن آن در منابع موجود مشکل یا غیرممکن است و در میان ۳۰ درصد باقی احادیث مشهور و متداول در کتب قدیمه به ندرت پیدا می‌شود. از نظر نقد رجالی، تنها مورد قابل توجه در متون قدما، «ترحم» و «ترضی» کراجکی و نجاشی و تعبیرات کراجکی در ستایش وی است (نجاشی، ۶۲؛ کراجکی، کنز، جم؛ همو، التفضیل، ۲۳، ۳۷، ۴۰). از متأخران مجلسی بر ثنای کراجکی تکیه کرده و نیز وحید و مامقانی سعی کرده‌اند از ترحم نجاشی و تلقیب ابن‌شاذان به «فقیه» توسط کراجکی، مدح وی را استنباط و حدیث او را داخل در «حسان» کنند (مجلسی، ۱۸/۱؛ مامقانی، ۷۳؛ ابوعلی حائری، ۲۵۸). به هر حال در مورد ابن‌شاذان جرحی از شیعه به دست نرسیده و نقل احادیث وی در کتب شیعه از سده ۵ ق/ ۱۱۷ تا سده‌های اخیر دلیل عمده اعتماد شیعه بر وی است. از علمای اهل سنت خطیب خوارزمی به کرات از وی با عنوان «امام» یاد کرده است، همو و دانشمندانی چون حافظ گنجی و جوینی در تألیفات خود احادیث وی را نقل کرده و به طور ضمنی پذیرفته‌اند و این نشان دهنده اعتماد علمای میانه‌رو اهل سنت بر وی می‌باشد (خوارزمی، المناقب، مقتل الحسین، جم؛ گنجی، ۲۵۱، ۲۵۲، ۳۲۱؛ جوینی، جم؛ ابن طاووس، الطرائف، ۱۱۷/۱). از علمای تشدرو اهل سنت، ذهبی و به تبع او ابن حجر با لحنی تند احادیث مناقب وی را مورد حمله قرار داده و از او به عناوین زشتی یاد کرده‌اند (ذهبی، ۴۶۷/۳؛ ابن حجر، ۶۲/۵).

آثار او چنانکه در منابع آمده از این قرار است:

۱. مائة منقبة، که حاوی ۱۰۰ حدیث در مناقب ائمه (ع) بوده و بنای مؤلف بر آن بوده است که این احادیث را از طرق عامه جمع‌آوری کند. این کتاب به درخواست یکی از شاگردان یا دوستان ابن‌شاذان نوشته شده (ابن‌شاذان، ۱۸) و از زمان تألیف تاکنون همواره مورد استفاده بوده است. مائة منقبة یک بار بر اساس نسخه‌ای محذوف السند در کتابخانه حیدریه نجف با عنوان ایضاح دفائن النواصب به چاپ رسیده و بار دیگر در ۱۴۰۷ ق با تصحیح و تحقیق از سوی مدرسه امام مهدی (ع) در قم به زیر طبع آراسته شده است. آقابزرگ از چاپ دیگری یاد کرده که ظاهراً پیش از چاپ نجف در تهران انجام شده، اما عبارت وی خالی از ابهام نیست (الذریعة، ۳۱۶/۲۲). عنوان ایضاح دفائن (یا دفائن) النواصب که کراجکی آن را یاد کرده، در واقع نام دیگر کتاب مائة منقبة است (کراجکی، کنز، ۲۵۹؛ حر عاملی، الجواهر السنية، ۲۳۳؛ نوری، ۵۰/۳؛ آقابزرگ، همان، ۴۹۴/۲). ابن شهر آشوب ایضاح را ضمن کتب ابن‌شاذان ذکر کرده و با توجه به اینکه وی به احتمال قوی نسخه‌ای از مائة منقبة را در اختیار داشته و از آن نقل کرده، می‌توان نتیجه گرفت که وی نیز ایضاح را نام مائة منقبة می‌دانسته است (ابن شهر آشوب، معالم، ۱۱۷؛ همو، مناقب، جم). حر عاملی نیز

از نسخه‌ای از مائة کلمة در اثبات الهداة نقل حدیث می‌کند که نام آن را ایضاح ذکر کرده است (۳۱/۱، ۷۱۳-۷۱۴، ۷۱۴/۲، ۲۴۱/۲، ۲۴۲، ۸۰/۳-۸۲). خوانساری بدون ارائه دلیل حدس زده که ایضاح کتابی مستقل در مثالب است (۱۸۹/۶)، اما حدس وی مورد اعتراض نوری قرار گرفته است (همانجا). میرزا یحیی مستوفی اظهار داشته که ایضاح کتابی مستقل در مثالب بوده و نسخه‌ای از آن نزد وی موجود است. آقا بزرگ از دو نسخه دیگر این کتاب یاد کرده، ولی هیچ یک را شخصاً ندیده است (الذریعة، ۴۹۴/۲، ۳۱۶/۲۲). به هر حال بر فرض وجود نسخه‌ای در مثالب با توجه به عدم اطلاع قدما از آن، می‌توان در صحت انتساب تردید کرد. در فهرس نسخ خطی، نام ایضاح بارها دیده می‌شود، اما برخی از این نسخه‌ها را به طور قطع می‌توان همان مائة منقبة دانست (مرکزی، شمه، ۲۱۱۳، ۲۶۰/۳؛ مشکوة، ۱۱۲۹/۳؛ فهرست مخطوطات، ۸۰/۱).

۲. رد الشمس علی امیرالمؤمنین. این کتاب را ابن شهر آشوب به وی نسبت داده است (معالم، ۱۱۷، مناقب، ۳۱۶/۲). بسیار محتمل است که این شهر آشوب جزئی در باب طرق حدیث رد شمس تألیف ابوالحسن شاذان فضلی را از باب تشابه اسمی به ابن‌شاذان نسبت داده است (نک: سیوطی، ۳۳۸/۱).

۳. بستان الکرام. اول بار این حمزه طوسی در سده ۶ ق/ ۱۲م این کتاب را به ابن‌شاذان نسبت داده و از جزء ۸۶ آن نقل حدیث کرده است (نک: ابن حمزه، ۷۹ الف). از سده ۱۰ ق/ ۱۶م به بعد نیز بعضی چون مقدس اردبیلی از آن نقل کرده‌اند (آقابزرگ، همان، ۱۰۷/۳؛ نوری، همانجا).

۴. اجزاء روایات ابن‌شاذان که از حیث موضوع پراکنده بود و بخشی از این روایات را طوسی در امالی خود (۲۹۴/۲-۳۱۷، ۳۰۰) وارد کرده و بخشی دیگر را کراجکی در کنز الفوائد (۱۵۱، ۱۵۲، ۱۹۶، ۲۰۲) نقل کرده است. یکی از این اجزاء ظاهراً در سده ۶ ق/ ۱۲م به دست ابن شهر آشوب رسیده و حدیثی را در مناقب امیرالمؤمنین (ع) از آن نقل کرده است (مناقب، ۶۵/۲). جزء دیگری که شامل برخی احادیث درباره نمازهای مستحب بوده، در سده ۷ ق/ ۱۳م به دست ابن طاووس رسیده و از آن نقل کرده است (جمال الاسبوع، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۴۵). در همین سده جزء دیگری مشتمل بر احادیثی در باب ایمان ابوطالب به دست فخار بن معد موسوی رسیده و از آن نقل کرده است (مجلسی، ۱۰۹/۳۵، ۱۱۱).

۵. کتابی در صحت خبر صعود علی (ع) بر دوش پیامبر (ص) و شکستن بهتا، این کتاب را تنها سیدحسین بن ماعد (مسعود) حائری به ابن‌شاذان نسبت داده و افندی اصفهانی در مورد صحت این انتساب تردید کرده است (۴۴۲/۵).

از خدمات ابن‌شاذان طبق روش مرسوم آن روزگار روایت کتب اسلاف است، از آن جمله: کتاب سلیم بن قیس هلالی (ابن‌شاذان، ۱۲۴)، صحیفه سجادیه (آقا بزرگ، طبقات، ۱۵۱)، کافی کلینی به



روایت ابن قولویه که در مواردی با روایت موجود کافی تفاوت دارد (کراجکی، کنز، ۲۲۰؛ قس: مفید، ۲۸۰؛ کلینی، «کتاب التوحید» (کافی)، دو کتاب امالی و زادالمسافر تألیف پدر ابن شاذان (نجاشی، ۶۲) و کتاب مقتضب الاثر و دیگر کتب ابن عیاش جوهری (ابن شاذان، ۳۷، ۴۷؛ قس: ابن عیاش، ۱۰).

تأثیر مهم وی الجواهر الثمينة فی مذهب عالم المدينة است که به شیوه الوجیز محمد غزالی تدوین شده که نزد مالکیان اعتباری خاص داشته و ابن خلکان (همانجا) آن را دلیل بر عمق دانش فقهی وی دانسته است. گفته شده که ابن شاس در این کتاب، تحت تأثیر الوجیز، برخی فروع مبنی بر قواعد اصولی را در فقه مالکی وارد کرده است (سراج، ۳۱/۳) (۶۵۶). جزء اول و دوم این کتاب در کتابخانه ازهریه مصر (ازهریه، ۳۱۵/۲) موجود است. همچنین کتابی تحت عنوان کرامات الاولیاء به وی نسبت داده شده است (حاجی خلیفه، ۱۴۵۲/۲).

مأخذ: ابن خلکان، وفيات؛ ابن قنفذ، احمدين حسن، الوفيات، به کوشش عادل توبهش، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م؛ ازهریه، فهرست؛ حاجی خلیفه، کشف؛ ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش بشار عواد معروف، بیروت، ۱۴۰۵ ق؛ سراج اندلسی، محمد بن محمد، الحلل التنسیة فی الاخبار التونسية، به کوشش محمد حبیب هیل، تونس، ۱۹۷۰ م؛ غریبی، احمدين احمد، عنوان الدراية، به کوشش عادل توبهش، بیروت، ۱۹۶۹ م؛ منذری، عبدالمعظم بن عبدالقوی، التکملة لوفیات النقلة، به کوشش بشار عواد معروف، بیروت، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۴ م.

ابن شاطر، ابوالحسن علاءالدین علی بن ابراهیم بن محمد بن همام انصاری معروف به مطعم فلکی (۷۰۴ - ۷۷۷ ق / ۱۳۰۴ - ۱۳۷۵ م)، اخترشناس و ریاضی‌دان مشهور دمشق. وی از سوی بیشتر دانشمندان معاصرش لقب علامه یافت و به سبب انتساب به نخستین معلم خود ابن شاطر که بعدها به ابن شاطر ارشد معروف شد، با این عنوان خوانده می‌شد (نعیمی، ۳۸۹/۲؛ دفاع، العلوم البیحة، ۴۲۱؛ رایش، 41).

از جزئیات زندگی ابن شاطر اطلاع دقیقی در دست نیست. بنابر بیشتر روایات در دمشق زاده شد (ابن حجر، الدرر الكامنة، ۹/۴) و در شش سالگی پدر خود را از دست داد و جدش سرپرستی او را بر عهده گرفت. پس از چندی او را به علی بن ابراهیم بن شاطر که شوی خاله و پسر عم پدرش بود، سپردند. ابن شاطر نزد علی بن ابراهیم، هنر کنده کاری بر روی عاج را آموخت و به همین سبب به «مطعم» معروف شد و نیز نزد همو هیأت و حساب و هندسه را فرا گرفت (همو، انباء، ۱۷۲/۱). هنر و مهارت ابن شاطر در کنده کاری مورد توجه واقع شد و از این راه ثروتی اندوخت که امکان مسافرت و ادامه تحصیل را برای او فراهم ساخت (دفاع، اثر علماء العرب و المسلمین، ۱۲۶). در ۷۱۹ ق / ۱۳۱۹ م به قاهره و سپس اسکندریه رفت و در این دو شهر به فرا گرفتن هیأت و نجوم و ریاضی پرداخت و در این علوم مهارت یافت (ابن حجر، انباء، ۱۷۳/۱؛ ابن عماد، ۲۵۲/۶). سپس ریاست مؤذنان و مسئولیت تعیین اوقات شرعی در جامع اموی دمشق را به عهده گرفت (نعیمی، ۳۸۹/۲) و قسمت اعظم زندگی خود را در این کار به سر برد. ابن شاطر در این باره جداولی ترتیب داد که مجموعه‌ای

مأخذ: آفابورگ، الذریعة؛ همو، طبقات، قرن ۵، بیروت، ۱۳۹۱ ق؛ ابیطی محمد باقر، مقدمه بر مائه منقبة (نک: ابن شاذان در همین مأخذ)؛ ابن حجر، احمد بن علی، لسان المیزان، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۱ ق؛ ابن حمزه، عبدالله، الناقب فی المناقب، نسخه خطی کتابخانه گورخانه؛ ابن شاذان، محمد بن احمد، مائه منقبة، به کوشش محمد باقر ابیطی، قم، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، نجف، ۱۳۸۰ ق؛ همو، مناقب، قم، چاپخانه علمیه؛ ابن طاروس، علی بن موسی، جمال الاسویح، تهران، ۱۳۳۰ ق؛ همو، الطرائف، قم، ۱۴۰۰ ق / ۱۹۸۰ م؛ همو، الیقین، نجف، ۱۳۶۹ ق؛ ابن عیاش جوهری، احمد بن محمد، مقتضب الاثر، قم، ۱۳۷۹ ق / ۱۹۵۹ م؛ ابوعلی حائری، محمد بن اسماعیل، منتهی المقال، تهران، ۱۳۰۰ ق؛ آفندی اصفهانی، عبدالله، ریاض العلماء، قم، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م؛ بهبهانی، محمد باقر، تعلیقات منتهی المقال، تهران، ۱۳۰۶ ق؛ جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، به کوشش محمد باقر محمودی، بیروت، ۱۳۹۸ ق؛ حر عاملی، محمد بن حسین، اثبات الهداة، قم، ۱۳۹۹ ق / ۱۹۷۹ م؛ همو، امل الآمل، به کوشش احمد حبیبی، بغداد، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م؛ همو، الجواهر السنیة، بیروت، ۱۴۰۲ ق / ۱۹۸۲ م؛ خزاعی، علی بن محمد، کفایة الاثر، قم، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م؛ خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، نجف، ۱۳۶۷ ق / ۱۹۲۷ م؛ همو، مناقب، نجف، ۱۹۶۵ م؛ خوانساری، محمد باقر، روایات الجنات، تهران، ۱۳۸۲ ق / ۱۹۶۲ م؛ ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال، به کوشش علی محمد بجاری، قاهره، ۱۳۸۲ ق / ۱۹۶۲ م؛ سیوطی، الآلئی المنصوغة، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م؛ طوسی، محمد بن حسن، امالی، بغداد، ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۴ م؛ همو، فهرست، نجف، کتابخانه مرتضویه؛ فهرست مخطوطات مکتبه الامام الحکیم العابدی، به کوشش محمد مهدی نجف، عراق، ۱۳۸۹ ق / ۱۹۶۹ م؛ کراجکی، ابوالفتح، التفضیل، به کوشش محدث ارموی، تهران، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م؛ همو، کنز الفوائد، تبریز، ۱۳۲۲ ق؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، ۱۳۷۷ ق / ۱۹۵۷ م؛ گنجی، محمد بن یوسف، کفایة الطالب، به کوشش محمد هادی ابینی، تهران، ۱۴۰۴ ق / ۱۹۸۴ م؛ مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، نجف، ۱۳۵۰ ق / ۱۹۳۱ م؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء؛ مفید، الارشاد، نجف، ۱۳۸۲ ق / ۱۹۶۲ م؛ مرکزی، خطی؛ مشکوة، خطی؛ مفید، محمد بن محمد، الارشاد، نجف، ۱۳۸۲ ق / ۱۹۶۲ م؛ نجاشی، احمد بن علی، الرجال، بمبئی، ۱۳۱۷ ق / ۱۸۹۹ م؛ نوری، حسین، مستدرک الوسائل، تهران، ۱۳۱۸ - ۱۳۲۱ ق.

احمد پاکتچی

ابن شاس، ابومحمد جلال‌الدین عبدالله بن محمد بن نجم‌جذامی (د. ۶۱۶ ق / ۱۲۱۹ م)، محدث و فقیه مالکی.

لقب وی در برخی منابع نجم‌الدین آمده است (غریبی، ۲۵۸؛ ابن قنفذ، ۳۰۶). در مورد زندگی او اطلاعات چندانی در دست نیست. خاندان او در دستگاه حکومت صاحب نفوذ بوده‌اند. وی فقه مالکی را از استادان زمان خود نظیر ابویوسف یعقوب بن یوسف مالکی در مصر فرا گرفت و از مشایخی چون ابومحمد عبدالله بن بزی حدیث شنید (منذری، ۴۶۹/۲؛ قس: ذهبی، ۹۹/۲۲). از کسانی که از وی استماع حدیث نموده‌اند، زکی‌الدین عبدالعظیم بن عبدالقوی منذری را می‌توان نام برد (منذری، همانجا). او پس از بازگشت از سفر حج تا پایان عمر از دادن فتوا خودداری کرد (ذهبی، ۹۸/۲۲) و هنگامی که دیماط از شهرهای مرزی مصر به تصرف صلیبیان درآمد برای جهاد به آن شهر